حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) - ۹۵

مخالفت با جریان مهدی هاشمی و موضع علیه انجمن حجتیه

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

یکی از گروه‌های انحرافی انقلابی‌نما، جریان «هدفی‌ها» و باند سید مهدی هاشمی بود که همچون سایر گروه‌های التقاطی، برای نیل به اهداف خود در بند استفاده از ابزار شرعی نبود و همین نگاه غلط موجب شد که برخی مخالفان فکری خود را به قتل برسانند. آیت‌الله مصباح نسبت به این جریان انحرافی نیز حساسیت داشت. ایشان در این باب چنین می‌گوید: «قبل از پیدایش فرقان، گروه مشابهی هم در قم سر برآورد که پس از انقلاب هم تا مدتی مشغول فعالیت‌های خطرناک بود. مؤسس این گروهک هم طلبه ساده‌ای بود که بسیار مغرور بود. من سید مهدی هاشمی را از زمانی که کت و شلواری بود می‌شناختم. همان زمان هم هنوز درس رسائل و مکاسب می‌خواند حدس می‌زد عرضه خاصی دارد. او در محل خودشان چند نفری را جمع کرد و احساس کرد می‌تواند کارهایی انجام بدهد. موفقیت‌های جزئی هم در بعضی کارها پیدا کرد و به این توهّم دچار شد که می‌تواند دنیا را تسخیر کند؛ کشورهای دیگر را تابع دیدگاه خود کند؛ با رئیس‌فلان کشور ارتباط پیدا کند و از این نوع بلندپروازی‌ها پیدا کرد. خودش هم نهایتاً در اعترافاتش گفت که عامل همه این‌ها غرور بوده است. تقریباً تمام سران این گروه‌های منحرف، آدم‌های مغروری بودند و همین غرورشان آنها را به انحراف کشاند و عده‌ای را هم به دام انداخت و گرفتار کرد.»[1]

ایشان همچنین معتقد است جریان سید مهدی‌هاشمی، در ادامه تفکرات التقاطی به وجود آمده بود و می‌گوید: «وقتی مرحوم آقای مطهری درسال ۵۶ و در پی برخی از فضاسازی‌ها تصمیم گرفت اعلامیه‌ای بدهد، به قدری در این زمینه در میان دوستان تنها بودند که اعلامیه را با امضای خود و مهندس بازرگان منتشر کردند،[2] یعنی ایشان در میان علما حتی یک نفر را پیدا نکردند که اعلامیه را امضا کند و ایشان با این کار، عملاً در میان بسیاری از مبارزین، منزوی شدند،... این‌ها در آن زمان اختلافات فکری و به اصطلاح آن روز، ایدئولوژیک بود، اما در عمل، آثار بسیار بزرگی بر جا گذاشت، مثلاً یکی از آثار آن، پیدایش خط سید مهدی هاشمی بود. به جد باید گفت محور اصلی پیدایش این جریان، مسامحه در امور اسلامی بود. این فرد به بُعد سیاسی نهضت، بسیار اهمیت می‌داد و می‌گفت باید در ایران و جهان حکومت اسلامی درست کنیم و در این راه، هدف، وسیله را توجیه می‌کند. مسئله اعدام مرحوم شمس‌آبادی و دیگران به همین صورت توجیه می‌شد. در خاستگاه و پیدایش و شکل رشد آنها اختلافاتی وجود داشت.

جریان سید مهدی هاشمی زمینه‌های حوزوی داشت و با یکی از کسانی که در رتبهٔ مراجع بود، ارتباط نزدیک و فامیلی داشتند و از موقعیت ایشان به حد اعلی سوءاستفاده می‌کردند. آنها آن‌چنان بر ایشان اثر گذاشته بودند که ایشان حرف هیچ‌کس را درباره این‌ها نمی‌پذیرفت و حتی تا آن اواخر که حکم اعدام سید مهدی هاشمی صادر شده بود، پرونده ایشان را برده بودند نزد آن آقا و پرسیده بودند: «شما در این‌باره چه نظری دارید؟» ایشان گفته بودند: «این مدارکی که در پرونده هست، از نظر من اعتباری ندارند، چون من سید مهدی را بزرگش کرده‌ام و بیش از همه شما او را می‌شناسم». کسی که در میان شاگردان امام به عنوان قائم مقام ایشان معرفی شد، با این‌ها چنین ارتباط داشت و حامی سرسخت این‌ها بود و آنها هم از این جایگاه، حداکثر استفاده را کردند. مجاهدین اصلاً چنین امکانی برایشان فراهم نبود، بلکه برعکس، به خصوص پس از اعلام تغییر ایدئولوژی و جدا شدن گروه مارکسیست‌ها، دیگر در میان متدینین جایگاهی نداشتند.

اوایل، سران این‌ها افرادی متدین و علاقه‌مند به اسلام بودند، منتهی بینش اسلامی‌شان ضعیف بود، آنها در عمل، اهل نماز و عبادات و روضه و انفاق و حتی اهل تهجّد و نماز شب بودند و با قرآن و نهج‌البلاغه، انس داشتند. این گرایشات مارکسیستی مجاهدین بود که باعث شد قرائت جدیدی از اسلام راعرضه کنند، ولی جریان سید مهدی هاشمی از بطن روحانیت بیرون آمده بود و لذا خطر آنها خیلی بیشتر بود، به خصوص در جامعه دینی آثار بسیار سوئی گذاشتند، مضافاً بر این که آثار آنها بر خارج از ایران هم سرایت کرد، از جمله اختلافاتی که بین شیعیان افغانستان افتاد و همین‌طور ارتباطی که با بعضی از کشورهای عربی داشتند. به هرحال فتنه‌های بی‌شماری از همان اختلافاتی که در آن زمان، جزئی تلقی می‌شدند، پدید آمدند و آن‌طوری که دوستان ما که در قوه قضائیه بودند، تحلیل می‌کردند، تقریباً ریشه فکری همه گروه‌های انحرافی را در همان افکاری می‌دانستند که اول با مسامحه در بین متدینین ترویج شدند.»[3]

علامه مصباح: جریان سید مهدی هاشمی با یکی از کسانی که در رتبهٔ مراجع بود، ارتباط نزدیک و فامیلی داشتند و از موقعیت ایشان به حد اعلی سوءاستفاده می‌کردند. آنها آن‌چنان بر ایشان اثر گذاشته بودند که ایشان حرف هیچ‌کس را درباره این‌ها نمی‌پذیرفت... سران مجاهدین افرادی متدین و علاقه‌مند به اسلام بودند، منتهی بینش اسلامی‌شان ضعیف بود،... این گرایشات مارکسیستی مجاهدین بود که باعث شد قرائت جدیدی از اسلام را عرضه کنند، ولی جریان سید مهدی هاشمی از بطن روحانیت بیرون آمده بود و لذا خطر آنها خیلی بیشتر بود.

موضع‌گیری علامه مصباح پیرامون جریان انجمن حجتیه

در سال‌های اخیر برخی سعی دارند تا این‌چنین القا کنند که آیت‌الله مصباح یزدی به انجمن حجتیه گرایش داشته است. این عده با این کار بر آن هستند تا چهره انقلابی ایشان را مخدوش کنند و از این طریق، آن زبان بُرّنده و گویای انقلاب را خاموش کنند و ذهن جوانان نسل جدید انقلاب را نسبت به این اندیشمند همیشه در میدانِ انقلاب مغشوش سازند. چنین القائاتی موجب گشته تا در ذهن جوانان این پرسش ایجاد شود که: «آیا درست است که آقای مصباح یزدی اساساً با مبارزه با رژیم شاه مخالف بوده و آن را حرام می‌دانسته و گرایش به انجمن حجّتیه دارد؟»[4] تا حدی که، این جوّ سازی مسموم و ناجوانمردانه، واکنش تاریخ‌نگار پیشگام انقلاب، حجت‌الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی را در پی داشته است. ایشان ضمن شمردن سابقه انقلابی آیت‌الله مصباح،[5] به این دروغ پراکنی‌ها اشاره کرده و ضمن شناساندن ریشه‌های این روایت‌های ناروا گفت: «... جرم آیت‌الله مصباح این است که همانند آیت‌الله شهید مطهری خط‌شناس و خط‌شکنند. خط‌ها و جریان‌های انحرافی را به درستی می‌شناسند و در برابر آن موضع می‌گیرند. اتهام «گرایش آیت‌الله مصباح» به انجمن حجّتیه رسواتر از آن است که به آن اندیشه شود. امروز حجّتیه‌ای‌ها دست در دست هواداران تیزرو «اسلام منهای روحانیّت» و «جدایی دین از سیاست» به توطئه نشسته‌اند و برنامه‌هایی علیه نظام جمهوری اسلامی در نظر دارند که بازگو کردن آن فرصت دیگری می‌خواهد. این‌گونه اتهامات بعید نیست از سوی حجّتیه‌ای‌ها مطرح شود تا برای خود آبرو دریوزگی کنند و مردان علم و دانش و فضیلت را به زیر سؤال ببرند.»[6]

حجت‌الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی: جرم آیت‌الله مصباح این است که همانند آیت‌الله شهید مطهری خط‌شناس و خط‌شکنند. خط‌ها و جریان‌های انحرافی را به درستی می‌شناسند و در برابر آن موضع می‌گیرند.

پانوشت‌ها:

۱- «زمینه تاثیر آنها را قبلی‌ها فراهم کردند» ماهنامه یادآور، شماره ۶و۷و۸ -تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹، ص۱۸.

۲- برای مشاهده متن آن اعلامیه ر.ک: نهضت امام خمینی، ج۳، صص ۳۸۲-۳۸۳.

۳- «جامعه مدرسین و انقلاب»، ماهنامه یادآور: شماره ۴ و ۵، زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸. صص۳۳-۳۴.

۴- ر.ک: فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال سوم، شماره ۷، بهار ۸۵، ص ۳۲۵.

۵- حجت‌الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی در ابتدای این پاسخ، با اشاره به سوابق انقلابی آیت‌الله مصباح می‌گوید: « آیت‌الله مصباح یزدی از عارفان پاک‌باخته و از سالکان خودساخته‌ای می‌باشند که همواره راه امام پویند و رضای خدا جویند. بخش عمده‌ای از عمر گرانبهای خود را در پای کلاس درس امام گذرانیده و از شاگردان صاحب نام و وارسته امام به شمار می‌آیند. از سال ۱۳۴۱ که نهضت امام آغاز شد، ایشان نیز همراه دیگر یاران امام به صحنه آمدند و مبارزات اسلامی را آغاز کردند. در بیشتر اعلامیه‌هایی که از حوزه قم با امضای اساتید و فضلا منتشر می‌شد، امضای ایشان نیز در آن دیده می‌شود و برخی از اعلامیه‌های حوزه و روحانیون به قلم ایشان می‌باشد. آیت الله مصباح با نشریه «بعثت» (نشریه مخفی حوزه قم) همکاری داشتند و از آنجا که دریافتند این نشریه به معنی واقعی کلمه در خط امام نیست، نشریه دیگری به نام «انتقام» را پایه‌گذاری کردند و در راه نشر اهداف و آرمان‌های امام کوشیدند. در جلساتی که از طرف علما و اساتید حوزه در راه سامان بخشیدن به مبارزات و استواری نهضت امام تشکیل می‌شد آیت الله مصباح حضوری فعال داشتند و بسیاری از صورت‌جلسه‌ها، طرح‌های تشکیلاتی و مبارزاتی با اندیشه و قلم ایشان بود. آیت الله مصباح برای رویارویی با اندیشه‌های انحرافی و مکاتب وارداتی به کارهای زیربنایی سازنده و پویا بیشتر اهمیت می‌دادند. از این رو با همّت والا و تلاش شبانه‌روزی خود توانستند در کلاس‌های خود شاگردانی پرورش دهند که امروز هر کدام از آنها استوانه‌هایی در برابر شبهات و رسوبات فکری غرب باوران و عناصر اسلام‌ستیز می‌باشند. از این رو، می‌بینیم مهره‌های مرموزی که تلاش دارند با تکرار بافته‌های بی‌مایه و سست پایه نویسندگان غربی برای خود در میان ناآگاهان و ساده‌لوحان بازار گرمی داشته باشند و با نشخوار حرف‌های پوپر و.. نادانی و بی‌سوادی خود را پوشیده دارند، از شخصیت‌های علمی مانند آیت‌الله مصباح و پرورش یافتگان مکتب ایشان سخت آشفته و آزرده‌اند، زیرا در آشفته بازار جهالت و نادانی، غرب‌باوران خود فروخته کالاهای وارداتی و دست چندم خود را می‌توانند به نام اندیشه‌های نو، گفته‌های نو و.. مطرح کنند و از آن نان بخورند، لیکن در محیط‌های علمی که شخصیت‌هایی مانند آیت الله مصباح حضور داشته باشند پوپریست‌ها نمی‌توانند خودنمایی کنند.

نور درخشنده چو پنهان شود... شب‌پره بازیگر میدان شود

البته از نظر برخی از خودی‌ها نیز آیت الله مصباح بی‌گناه شمرده نمی‌شود. آنان که روزی سر در راه منافقین گذاشتند و وجوهات شرعی مانند خمس و سهم امام و زکات را به پای آنان ریختند و بهترین جوانان مسلمان و متدین را به پیوستن به سازمان منافقین برانگیختند و صریحاً و تلویحاً امام را به علت این‌که از منافقین حمایت نکرد مورد نکوهش قرار دادند. آنان که روزی سنگ چهره‌های مرموز برخی از روشنفکران و سردمداران تز استعماری «اسلام منهای روحانیّت» را بر سینه زدند و برای آن‌که در برخی محافل، «روشنفکر» و «اوندیش» شناخته شوند خیلی حرف‌ها زدند و خیلی کارها کردند و سپس با کمال شرمندگی گفتند اشتباه کردیم، از این‌که اسلام شناسان تیز بین و آزاداندیشی همانند آیت‌الله شهید مرتضی مطهری و آیت الله مصباح یزدی همانند آنها آلت دست نشدند، فریب این گروهک‌ها و چهره‌های مشکوک را نخوردند، خط‌های انحرافی را به درستی شناختند و با آن به مقابله برخاستند، سخت رشک می‌برند و ناگزیرند این بزرگواران را به افراطی‌گری و برخوردهای مبالغه‌آمیز متهم کنند تا راه و روش خود را توجیه کنند.» ر.ک: فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال سوم، شماره ۷، بهار ۸۵، صص ۳۲۶- ۳۲۸.

۶- همان.

نکات دیگری نیز در این مورد مطرح شده که مرور آن خالی از لطف نیست، از آن جمله، آقای غلامرضا بیات می‌گوید: «[از ویژگی‌های حاج آقا[مصباح] این است که قبل از هر سخنرانی یا مناظره یا جلسه پرسش و پاسخ و یا مصاحبه، دعای «اللهم کن لولیک...» را با حالت خاصی می‌خوانند. ایشان این دعا را آهسته و شمرده شمرده می‌خوانند. به‌طوری که آدم احساس می‌کند دارند سوره حمد نماز را قرائت می‌کنند. مخالفانش به خاطر همین تقیّد وی به خواندن دعای فرج، به او تهمت زده بودند که از اعضای انجمن حجتیه بوده است.» ر.ک: حقیقت شرق: نگاهی بر زندگی و خاطرات حکیم فرزانه حضرت آیت‌الله مصباح، ص ۸۲.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۵۶

سازمان نفوذ در بیت آیت‌الله منتظری

سید یاسر جبرائیلی

بلاتردید پررنگ شدن نقش آیت‌الله منتظری در رتق‌وفتق امور کشور، فعّال‌تر شدن بیت ایشان را نیز در پی داشت؛ بیتی که به دلیل نفوذ افراد منحرف چون سیّدمهدی هاشمی، به شدّت محلّ نگرانی امام(قدّس‌سرّه) و دلسوزان نظام بود و چنان‌که شرحش رفت، تلاش‌ها برای اصلاح آن، ناکام مانده بود. این سازمان نفوذ در مقطع پس از انتخاب آیت‌الله منتظری به رهبری آینده، در صدد زمینه‌سازی برای حاکمیّت تمام‌عیار خود در دوران پس از امام برمی‌آید که شقوق و زوایای حیرت‌انگیزی دارد.

بحران‌سازی با نهضت‌های آزادی‌بخش

سیّدمهدی هاشمی به این نتیجه رسیده بود که برای اینکه در داخل کشور مطرح شود، باید یک وجهه بین‌المللی به شخصیّت خود ببخشد و واحد نهضت‌های آزادی‌بخش در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محمل مناسبی برای اجرای این پروژه می‌دانست. این بود که علی‌رغم انحلال واحد نهضت‌ها در سپاه، حکمی از آیت‌الله منتظری دریافت کرد و به اقدامات خود در قالب این تشکیلات ادامه داد. او درباره دلیل تمرکزش بر واحد نهضت‌ها و ادامه فعّالیّت‌ها پس از انحلال می‌گوید: «یکی از دیپلمات‌های خارجی گفت شما اگر بخواهید در صحنه داخلی، باز مطرح شوید، باید نخست در عرصه بین‌المللی مطرح گردید و ما قدرت داریم زمینه آن را فراهم سازیم. ما همه گونه امکانات مالی و نظامی برای راه انداختن دوباره واحد نهضت‌ها، در سطح منطقه حاضریم در اختیارتان بگذاریم، تا کار را شروع کنید.»[1] او توضیح می‌دهد: «ما از کانال نهضت‌ها، با دولت‌های خارجی ارتباط داشتیم و در ضمن این ارتباطات، مسائل داخلی را هم منتقل می‌کردیم به آنها. وقتی ما ارتباطمان با لیبیایی‌ها برقرار شد، آنها یک کمک‌هایی به ما می‌کردند... ما، چه در زمانی که در سپاه بودیم به‌طور خفیف‌تر بعدش هم به‌طور جدّی‌تر، یک سری مشکلات داخلی نظام و بن‌بست‌ها و اشکالات و نارضایتی‌هایی که وجود دارد، با سعد مجبر (که نماینده قذّافی در ایران بود) مطرح می‌کردیم و درحقیقت، یک شناختی از بافت معادلات کشور را مرتّب به اینها می‌دادیم... این قول را هم به ما داده بودند که بالاخره، اگر شما و طیف و تفکّر شما به حاکمیّت برسد، ما حمایت صددرصد می‌کنیم از شما.»[2] با خودسری‌های این جریان در امور خارجی کشور، نهضت مقاومت شیعی در افغانستان دچار اختلاف و جنگ داخلی شد و فعّالیّت‌هایی هم در عربستان و برخی کشورهای اروپایی صورت گرفت که مغایر با سیاست‌های تعیین‌شده انقلاب اسلامی در زمینه بین‌الملل بود و هزینه‌های سنگینی به نظام تحمیل کرد؛ به‌گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت در خطبه‌های نماز جمعه تهران، نسبت به این اقدامات موضعی صریح و علنی گرفت: «ما برای اشاعه نظرات و ایده‌های سیاسی خودمان از روش‌های گوناگونی که تصوّر می‌شود، استفاده نمی‌کنیم. نمی‌خواهیم به‌زور و با ارتباطات مخفی آرمان‌های انقلاب را به ملّت‌ها تزریق کنیم.»[3] آیت‌الله خامنه‌ای درباره اقدامات سیّدمهدی هاشمی در مسئله افغانستان می‌گویند: «ممکن است که ایشان در کار افغانستان رسماً نماینده نداشت اما همین سیّدمهدی و اینها به پشتوانه ایشان در مسائل افغانستان دخالت می‌کردند. اصلاً شکل‌گیری اختلافات در درون شیعه و گروه‌های شیعه از همان زمان است.

در افغانستان اینها از چند گروه یک گروه تند خشنی تشکیل دادند که حتّی گفته می‌شد بعضی‌ها را سر به نیست می‌کنند. بقیّه گروه‌ها را به کلّی نفی می‌کردند، از صحنه خارج می‌کردند، جلوی کمک به آنها را می‌گرفتند. کارهای عجیبی داشتند.»[4]

ارتباط با منافقین

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که از گروه‌های مدّعی مبارزه با رژیم پهلوی بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرصت یافت تا در معرض رأی مردم قرار گیرد؛ امّا در انتخابات مختلفی که در سال‌های نخست انقلاب برگزار شد، نتوانست جایگاهی کسب کند. در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی تنها چهار کاندیدا از لیست انتخاباتی این سازمان به مجلس راه یافتند و در انتخابات مجلس شورای اسلامی از ۱۲۰ نامزدی که معرّفی کرده بود، حتّی یک نفر نیز نتوانست آراء لازم را برای ورود به مجلس کسب کند.[5] مسعود رجوی سرکرده منافقین در نخستین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا شد امّا به دلیل اعلام مخالفت با قانون اساسی، کارگروهی که از سوی امام برای احراز صلاحیّت نامزدهای ریاست‌جمهوری تعیین شده بود وی را تأیید نکرد. پس از این ناکامی‌ها سازمان تصمیم به اتّحاد با ابوالحسن بنی‌صدر گرفت که بهمن‌ماه ۱۳۵۸ در انتخابات ریاست‌جمهوری به پیروزی رسیده بود و قصد قبضه کردن کامل قدرت در ایران را داشت. بنی‌صدر ابتدا در صدد تشکیل یک بلوک قدرت با حضور آیت‌الله منتظری برآمد و به ایشان پیشنهاد داد که به اتّفاق هم در مقابل حزب جمهوری اسلامی یک حزب تأسیس کنند؛ امّا آیت‌الله منتظری از این پیشنهاد استقبال نکرد.[6] این بود که نهایتاً با منافقین دست به اتّحاد زد و آنان را در بخشی از دفتر خود تحت عنوان «دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم و رئیس‌جمهور» مستقر کرد. هم بنی‌صدر و هم مسعود رجوی تصوّر می‌کردند با این اتّحاد خواهند توانست قدرت را به‌صورت کامل در دست گیرند. امام(قدّس‌سرّه) به بنی‌صدر هشدار داده بودند که از منافقین تبرّی بجوید و آنها را از خود براند، وگرنه او را به تباهی خواهند کشید؛[7] امّا این نصیحت‌ها در او اثر نکرد و تصمیم گرفت به پشتوانه نیروهای مسلّح منافقین (موسوم به میلیشیا) در مقابل نیروهای درون نظام و شخص امام(قدّس‌سرّه) بایستد. این روند تقابل با نظام که به شکاف‌ها و تنش‌های گسترده در جامعه دامن زده بود، سرانجام منجر به بررسی طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی شد. هنگامی که مجلس مشغول بررسی این طرح بود، منافقین رسماً حرکت مسلّحانه علیه جمهوری اسلامی را اعلام کرده و از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ دست به کشتار گسترده مردم و مسئولین در سراسر کشور زدند. با شروع درگیری‌های مسلّحانه داخلی، وابستگان و هواداران سازمان دُور جدید تخریب، قتل، غارت و آشوب را در تهران و بسیاری از شهرها آغاز کردند؛ به‌گونه‌ای که صدها نفر از سپاهیان، بسیجیان، روحانیون و مردم کوچه و بازار به‌وسیله ترورهای کور و انفجار توسّط منافقین به شهادت رسیدند. آنان پس از سوءقصد نافرجام به جان آیت‌الله سیّدعلی خامنه‌ای، در دفتر حزب جمهوری اسلامی که شهید بهشتی و یارانش در آنجا جلسه داشتند، بمب‌گذاری کرده و آنان را به شهادت رساندند. رئیس‌دیوان عالی کشور، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، دادستان کلّ کشور، تعدادی از نمایندگان مجلس و وزرا و ده‌ها نفر از مسئولین نظام و ائمّه جمعه استان‌ها نیز به دست منافقین به شهادت رسیدند. تحلیل سازمان منافقین این بود که با نابودی مسئولان نظام از طریق این ترورها، کشور دچار خلأ قانونی شده و خودبه‌خود نظام جمهوری اسلامی فرو می‌پاشد.[8]

پانوشت‌ها:

۱- محمّد محمّدی ری‌شهری، پیشین، ص ۹۴

۲- محمّد محمّدی ری‌شهری، خاطرات سیاسی، ص۲۴۶

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۸/۱۰

۴- مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی)

۵- محمّدصادق کوشکی، تبار ترور، صص ۱۶۹ و ۱۷۵

۶- حسنیعلی منتظری، پیشین، ص ۴۴۹

۷- صحیفه امام خمینی، ج ۱۴ ص ۴۸۷، ۱۳۶۰/۴/۱

۸- سجّاد چاردان، تأمّلی تاریخی و فقهی بر اعدام‌های منافقین در سال ۱۳۶۷، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۵/۲۷، کد خبر: ۱۳۹۵۰۵۲۷۰۰۱۰۷۸

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۰۲۱۰ ۳۳۱۱۸۰۵۰ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۱۲۹۳ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۲۲۹۱ ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ | شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ | اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ | چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ | شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ | مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ | شهرآرا ۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰-۶۶۵۹۲۲۶۶

شرق - غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ | ۶۵۲۲۲۹۳۳ | کرج ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱ | دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

سند کمپانی و برگ سبز و کارت موتورسیکلت تلاش ۱۲۵ سی‌سی S مدل ۱۳۹۰ به رنگ آبی و به شماره پلاک ۷۲۳۷۸- ایران ۱۱۹ و به شماره موتور 1P52FMINE122233396 و به شماره شاسی NE1***125B9010594 به مالکیت زهرا العیاری دارای کد ملی ۰۰۴۳۹۶۲۳۷۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

مجله زن روز روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

«املاک سان»
خرید و فروش ویلا- زمین
پیمانکاری ساختمان
مشارکت ساخت
مازندران نوشهر، سی‌سنگان
۰۹۱۱۱۹۳۲۷۳۴
۰۹۱۲۰۱۳۵۵۴۸

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴ - ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲

دفتر فنی مهندسی عدالت تهران
خدمات چاه لوله سراسر تهران
شبانه‌روزی ارزانتر از همه جا
۰۹۱۹۳۰۷۸۷۳۳

پیمانکاری ساختمانی اسکندری
انجام کلیه امور نقاشی ساختمان و تعمیرات
ارزان فوری عالی
۰۹۱۲۳۶۴۷۹۱۶

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

حمل و نقل

اخذ اقامت دبی، ثبت شرکت و اخذ ID کارت دبی ظرف مدت ۲۰ روز.
۰۹۱۷۱۱۹۱۳۰۳
۰۹۱۷۵۰۲۶۸۵۲

خدمات شرکت‌ها

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خدمات مسافرتی

آلمان + ایتالیا
هر سفارشی دارید با ما تماس بگیرید
۸۸۷۵۳۷۴۹
۰۹۱۲۳۵۴۵۰۶۱

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز خودرو لاماری مدل ۱۴۰۲ شاسی N5RL42DA5PP006342 پلاک ۲۱۸ م ۳۸- ایران ۱۲ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز موتورسیکلت هوندا CG125 به شماره پلاک ۱۶۵۹۸- ایران ۴۹۹ به رنگ قرمز مدل ۱۳۸۲ و شماره موتور A1326643 و شماره تنه P1A8211494 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا 131SE به‌شماره‌پلاک ۷۸۸و۸۹ ایران ۲۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۵۳۷۰۸۲۱ و شماره شاسی NAS411100F3418227 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) کامیون باری فلزی بنز ۹۱۱ مدل ۱۳۹۱ به رنگ سبز روغنی به شماره انتظامی ۶۳۶ ع ۳۸ ایران ۴۸ و شماره موتور ۱۰۰۲۳۲۶۵ و شماره شاسی ۱۶۵۲۰۰۲۴ بنام ادیب وزیری به شماره ملی ۳۴۹۰۲۲۰۱۹۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند پروانه انتشارات نشر وزیر به مدیریت پرویز امینی به شماره پروانه ۷۴۴۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت شناسایی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری پراید تیپ جی‌تی‌ایکس به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۰۰۷۰۱۹۵۳ و شماره شاسی S1412283234104 و شماره انتظامی ۱۵۹ ب ۱۲ ایران ۵۹ بنام صدیقه بای مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز، سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ GLX مدل۱۳۹۳رنگ نقره‌ای به شماره موتور 124K03641713 و شماره شاسی NAAM11CAVER923781 و انتظامی ۵۶ج۵۳۸ ایران ۵۳ بنام حبیب اعرابی با کد ملی ۲۴۰۰۲۲۲۹۲۴مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی سواری پراید تیپ جی تی ایکس به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۰۰۷۰۱۹۵۳ و شماره شاسی S1412283234104 و شماره انتظامی ۱۵۹ ب ۱۲- ایران ۵۹ بنام صدیقه بای مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز کامیونت ون‌نیسان به شماره انتظامی ۶۸۱ ص ۷۳ ایران ۸۷ با شماره موتور ۲۳۵۴۷۹ و شماره شاسی D30889 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری سایپا 111SE به شماره انتظامی ۲۷۷س۳۸ ایران۶۳ مدل۹۳ موتور ۵۲۲۴۱۸۶ شاسی NAS431100E5800067 به نام ایران ابوالحسنی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سایپا مدل ۹۸ به شماره انتظامی ۵۵۳ ل ۴۵ ایران ۴۱ به شماره موتور M13/6290846 و شماره شاسی 411100k3528248 مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ سی‌سی به شماره پلاک ۴۷۶۹- اهواز ۴۱ به رنگ قهوه‌ای مدل ۱۳۶۵ و شماره موتور *۱۸۳۵۹۹۹* و شماره تنه *۶۵۰۱۹۴۵* مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک (سند کمپانی- برگ سبز- کارت خودرو و...) خودرو پژو ۴۰۵ GLXI به رنگ نقره‌ای مدل ۱۳۸۹ به شماره شهربانی ۸۷۵ م ۹۵ ایران ۱۰ و به شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۸۰۷۴۲ و به شماره شاسی NAAM01CA5A522680 به نام سید سجاد صابری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

(آگهی مزایده (اجاره) دو دستگاه مینی بوس و دو دستگاه ون
سازمان مدیریت حمل و نقل شهرداری بویین زهرا)
سازمان مدیریت حمل و نقل شهرداری بویین زهرا در نظر دارد به استناد مجوز شورای سازمان (مزایده اجاره دو دستگاه مینی‌بوس و دو دستگاه ون) را با شرایط ذیل به افراد حقیقی وحقوقی به صورت مزایده (اجاره) واگذار نماید.
۱- از متقاضیان دعوت می‌شود با درنظر گرفتن موارد ذیل پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد مزایده (اجاره) و ارائه پیشنهادات به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نماید.
۲- سازمان در رد و یا قبول پیشنهادات مختار است.
۳- سپرده شرکت در مزایده (اجاره) مبلغ ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای هر دستگاه می‌باشد .
۴- هزینه آگهی و کارشناسی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
۵- سایر جزئیات در اسناد مزایده (سامانه ستادایران) مندرج است.
۶- برندگان اول و دوم و سوم هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آن‌ها به ترتیب ضبط خواهدشد.
۷- تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۸/۰۶ و تاریخ نوبت دوم مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ می‌باشد.
رئیس سازمان - عیسی عشرتی

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۲

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱ بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۹۶/۰